

در علی شناسی

در باره الانوار ۴۲۰، ۱۸۹۵۴۰ از کتاب الاختصاص من ۱۳۴

نقل شده است، امیرالمؤمنین (علیه السلام) در مسجد نشسته بود وعده ای از اصحاب در خدمتش

بودند، به آن حضرت عرضه داشتند: یا امیرالمؤمنین برای ما حرف بزن.

حضرت فرمود: حرف و سخنم دشوار و سنگین است، جز دانایان کسی آنرا

درک نمی کند - اصحاب اصرار کردند که حتماً باید برای ما حرف بزی.

حضرت فرمود: برخیزید (و داخل خانه شد) و فرمود: ... منم آنکه

زنده می گم و می میرانم، منم اول و آخر و ظاهر و باطن.

اصحاب خشه گین شدند و گفتند: گفتمی گوید. و برخاستند.

علی فرمود: [ای در، بر ایشان سبب باش] و در بر باز نشد و بعد گفت:

ذگفتم که سخن سنگین است و جز دانایان نمی فهمند و آنرا در نمی گویند؟

بباید تا بر ایمان تفسیر کنم! اما آنکه گفتم منم آنکه زنده می گم و می میرانم؛

سنت زنده می گم و بدعت را می میرانم - اما آنکه گفتم من اولم

اولین کسی ام که به خداوند امان آورد و مسلمان شد و انکه گفتم
 من آخرم ، آخرین کسی هستم که جا به (بارجی) بر بیامیرا کند و
 او را دفن کرد و انکه گفتم ، ظاهر و باطنم - علم ظاهر و باطن
 ترد من است .

(حضرت علی فرمودند : مَنْ لَمْ يُقِلْ إِنِّي رَابِعُ الْخُلَفَاءِ الْأَرْبَعَةِ ، فَعَلِمَ

لَعْنَةُ اللَّهِ ؛ هر کس نگوید من چهارمین خلیفه از خلفای چهارگانه ام ،

لغت خدا بر او بار) این جمله را حسن بن زید از امام هادی (ع) شنید که

علی (ع) بیان فرموده - حسن بن زید گفت ، از شما مطلب دیگری غیر از

این روایت شنیده ام ، آیا کذب منی کنید ؟

اما هادی فرمودند : آری ، (اما ترفیح داره) خداوند در کتاب خود می فرماید

نوره / ۳۰

« وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِيهَا مِنَ الْأَرْضِ خَلِيفَةً »

به یاد آر ، هنگامی که پروردگارت به ملائکه فرمود ، من در زمین خلیفه قرار دادم

همچنین خطاب به داوود مفرماید: «ما تور در روی زمین»

مقام خلافت دارم» هارون نیز خلیفه موسی است تا آنجا که خداوند

فرماید: «تو اکنون بیسوی نام و جانشین من باش و راه صلاح پیش گیر»
اعراف / ۱۴۲

س هارون (علیه السلام) خلیفه سوم و امیر المؤمنین نیز خلیفه محمد
(صلی الله علیه و آله) و در واقع چهارمین خلیفه است.

این گونه است که امیر المؤمنین علی (ع) فرماید:

«هر کس نگوید که من چهارمین خلیفه از خلفای چهارگانه ام، لعنت خدا بر او باد»

بحار الانوار / ج ۳۸ / ص ۱۵۳ / ج ۱۲۷

الناقب ابن شهر آشوب / ج ۲ / ص ۲۶۱

و ز لام علی لسان ما گویا شد

از عین علی عیون ما بینا شد

زان نور، محمد و علی پدید آمدند

در یای علی نور خدای بینم